

قدمت اختصارسازی در زبان فارسی

کیوان زاهدی^۱

لیلا شریفی^۲

چکیده

در این پژوهش، ضمن بیان اهمیت اختصارسازی و ویژگی‌های آن در زبان فارسی، با ذکر نمونه‌هایی از خط میخی فارسی باستان و خط پهلوی، قدمت این فرایند واژه‌سازی را در زبان‌های ایرانی نشان داده‌ایم و با معرفی دو اصل اقتصاد و کم‌کوشی و رابطه آنها با زبان، و نیز بیان دیدگاه زیف (۱۹۴۹) و مارتینه (۱۹۶۲)، این فرایند را توجیه پذیر دانسته‌ایم. اصل اقتصاد نقش بسیار مهم و تعدیل‌کننده‌ای در زبان دارد؛ به طوری که هرگونه تغییر غیراقتصادی که در صرف انرژی و تلاش، هزینه زیادی را بر نظام تحمیل کند و مانع فهم باشد، به‌طور خودکار حذف و یا از آن اجتناب می‌شود. طبیعت اقتصاد، معیاری برای تنظیم تمامی جنبه‌های رفتار بشری است و اصل کم‌کوشی آن را کنترل می‌کند. در یک فرایند پویا مثل تغییر زبانی، کلمه‌ها پیوسته در حال کوتاه‌شدن، پس‌و‌پیش شدن، حذف‌شدن، قرض‌گیری و دگرگونی معنایی هستند. این رخداد در تمامی زبان‌ها طبیعی است و زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این مقاله، با ذکر

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی Kzahedi@sbu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم، تحقیقات I_Isharifi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱ تاریخ تصویب: ۸۹/۹/۲۲

نمونه‌هایی از اختصارات حک شده بر سکه‌های ایران باستان و اختصارات
هژوارشی نشان می‌دهیم که جگه زبان امروزی ما از این فرایند واژه‌سازی
به‌خوبی بهره می‌گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اختصار، اصل اقتصاد، اصل کم‌کوشی.

۱. مقدمه

چندین دهه است که ساختن اختصارات و به‌کارگیری آنها در تمام دنیا رواجی فزاینده یافته و چون ابزاری برای تقویت و تجهیز زبان به کار رفته است. اختصارات، رفتاری مانند دیگر کلمه‌های زبان دارند و حتی گاهی از صورت کامل خود، جاافتاده‌تر و شناخته‌تر می‌شوند. به طور کلی، اختصارسازی نتیجه طبیعی اصل اقتصاد یا صرفه‌جویی است که بر همه ابعاد زبان حاکم می‌باشد. در واقع، زبان نوعی نظام ارتباطی است و در هر نظام ارتباطی، کمال مطلوب آن است که با کمترین هزینه، بیشترین اطلاعات انتقال یابد.

اختصارسازی در هر زبان، به ویژگی‌های آن زبان بستگی دارد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها نوع خط و حروف الفبا است. شاید علت برتری زبان‌های لاتین بر زبان فارسی در این حوزه، حروف الفبای این زبان‌ها باشد؛ مثلاً زبان انگلیسی شامل پنج واکه «a, e, i, o, u» و دو نیم‌واکه «w, y» است و نیز واکه‌های مرکبی دارد که از ترکیب برخی از آنها حاصل می‌شوند. حدود ۲۰٪ کلمه‌های انگلیسی، یعنی تقریباً از هر پنج کلمه یکی، با این آواها شروع می‌شوند؛ اما الفبای فارسی دارای واکه‌های «الف، و، ی» است و تنها ۱۰٪ از کلمه‌ها با این آواها شروع می‌شوند. این آواها نشان‌دهنده واکه‌های بلند هستند و واکه‌های کوتاه معمولاً با آواها مشخص نمی‌شوند؛ مگر «ا» در اول و گاهی «و» در وسط و «ه» در آخر کلمه‌ها. با وجود این محدودیت، مشکل تلفظ اختصارات به‌دست آمده، به‌گونه‌ای حل‌شدنی است و مانعی جدی برای اختصارسازی به‌شمار نمی‌رود (کافی، ۱۳۷۰: ۲۱)؛ زیرا در زبان انگلیسی هم اختصاراتی وجود دارند که نمی‌توان آنها را به‌صورت یک کلمه تلفظ کرد و باید حرف‌خوانی شوند؛ مانند CCU و BBC. حتی گاه اختصاراتی که دارای حروف واکه‌اند، باز هم حرف‌خوانی می‌شوند؛ مانند MIT که «ام‌آی‌تی»

تلفظ می‌گردد، نه «میت». همچنین با آنکه در این زبان، حروف بزرگ کاربرد زیادی دارد، برخی اختصارات با حروف کوچک نوشته می‌شوند؛ مانند «incl» مختصر «including»، «xn» مختصر «Christian» و «uni» مختصر «university»؛ بنابراین، از این دیدگاه، نداشتن حروف بزرگ مانعی جدی برای اختصارسازی در زبان فارسی نخواهد بود؛ اما به عقیده پژوهشگر، یک محدودیت (نه مانع) در زبان فارسی، نبود تمایز بین اسم‌های خاص و عام در نوشتار است؛ زیرا همه افراد آشنا با زبان‌هایی مانند انگلیسی می‌دانند که اگر کلمه‌ای با حروف بزرگ^۱ نوشته شود، بی‌تردید اسم خاص است. این ویژگی درباره اختصارات این زبان‌ها نیز صدق می‌کند؛ بدین ترتیب، تشخیص کلمه اختصاری که از مقوله اسم است، بسیار راحت‌تر و کاربرد این گونه کلمه‌ها آسان‌تر می‌شود. به هر حال، اختصارات در زبان، به سرعت انتقال مفاهیم و باصرفه‌بودن زبان، کمکی شایان می‌کنند و بر صراحت و زیبایی زبان می‌افزایند. در گذشته، نیاکان ما به‌خوبی از اختصارات بهره‌گرفته‌اند؛ ولی امروزه در مقایسه با دوره‌های پیشین، استفاده از آنها ناچیز است و بیشتر، اختصارات زبان‌های بیگانه به کار گرفته می‌شود. هدف از این پژوهش، نشان دادن پیشینه و شایستگی‌های زبان فارسی در حوزه این فرایند واژه‌سازی است. پیکره این پژوهش، براساس پیکره نوشتاری می‌باشد و نمونه‌های آن، از منابع مختلفی همچون کتاب‌ها، فرهنگ‌ها و پایگاه‌های اینترنتی گردآوری شده است.

پژوهش حاضر با احتساب چکیده و مقدمه آن، از چهار بخش تشکیل شده است. در بخش دوم، در راستای موضوع مقاله پیشینه‌ای به‌دست می‌دهیم؛ در بخش سوم، نمونه‌هایی از اختصارسازی کلمات در خط فارسی باستان و میانه، و همچنین توجیه این فرایند واژه‌سازی را ذکر می‌کنیم؛ در بخش آخر نیز نتیجه تحقیق را بیان می‌کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی‌های نگارنده درباره قدمت اختصارسازی در زبان فارسی نشان می‌دهد که در این زمینه، تحقیقی به‌طور خاص انجام نشده است. همه نمونه‌ها و مثال‌های تاریخی مورد استفاده در این

مقاله، از کتاب‌ها و فرهنگ‌های زبان‌های باستانی و یا مقاله‌های باستان‌شناسی غیرمرتبط با رشته زبان‌شناسی استخراج شده‌اند. شیندل (۲۰۰۴) از باستان‌شناسانی است که درباره سکه‌های ساسانی و کلمه‌های حک شده بر روی آنها اطلاعات جالبی عرضه کرده است؛ تفضلی (۱۳۷۵ و ۱۳۷۶) و امینی (۱۳۸۳) نیز در کتاب‌های خود، از وجود اختصاراتی بر روی سکه‌های ساسانی و اشکانی سخن گفته‌اند؛ همچنین تفضلی (۱۳۷۵) از دو وند پهلوی نام برده که به جای چندین پسوند فعلی عمل می‌کنند؛ عریان (۱۳۷۷) نیز در کتابش اختصاراتی را ذکر کرده که خط پهلوی، برخی از آنها را از آرامی قرض گرفته و به کار می‌برده است.

۳. فرایند اختصارسازی و پیشینه آن در خط فارسی باستان و میانه

کلمه‌های اختصاری در یک زبان، به سرعت انتقال مفاهیم و باصرفه‌بودن آن زبان، کمکی شایان می‌کنند و بر صراحت و زیبایی زبان می‌افزایند. در زمان‌های گذشته، ایرانیان به خوبی از اختصارات بهره گرفته‌اند؛ ولی امروزه استفاده از آنها به نسبت، ناچیز است و بیشتر، اختصارات زبان‌های بیگانه به کار گرفته می‌شود. نمونه‌هایی که در این پژوهش ذکر می‌کنیم، گویای قدرت واژه‌سازی زبان فارسی حتی در دوران گذشته هستند؛ هرچند با سازوکاری بسیار ساده‌تر از آنچه ما امروز از این فرایند می‌شناسیم، ساخته شده‌اند.

واژه اقتصاد^۱ در لغت به معنی حصول، صرفه‌جویی، بار کم و ذخیره است. به گفته سیمسون (۱۹۸۹)، این کلمه نخست در سال ۱۵۳۰ از لغت فرانسوی «*économie*» وارد زبان انگلیسی شده و در کل، به معنای مدیریت خوب منابع در خانه است. امروزه، کلمه اقتصاد به شکل استعاری در سطوح اجتماعی و همچنین در علم زبان‌شناسی به کار می‌رود. در زبان‌شناسی، اقتصاد به معنای تعادلی مناسب است که از توزیع درست تمامی نیروها و عوامل درونی و بیرونی، و نیز تغییرهای عناصر زبانی ناشی می‌شود که پیوسته بر زبان اثر می‌گذارند. اقتصاد در زبان، کل این نظام را با صرف کمترین هزینه و انرژی ممکن، کنترل می‌کند (ویسنینی، ۲۰۰۳: ۳۷).

زیف درباره اصل اقتصاد زبانی می‌گوید: «این اصل که بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری حاکم است، رفتار زبانی ما را نیز تحت کنترل دارد» (vii / ۱۹۴۹). وی معتقد است درحوزه رفتار زبان‌شناختی، نیروی بازدارنده‌ای وجود دارد که اصل اقتصاد گوینده و شنونده، آن را اعمال می‌کند. این اصل گوینده را به تولید حداقل عناصر زبانی و شنونده را به دریافت حداکثر وضوح وامی‌دارد.

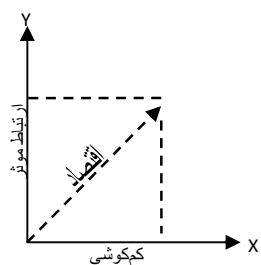
در سال ۱۹۶۲، آندره مارتینه نیز سازوکاری از تغییر زبان به دست داد که از تعامل دو عامل شکل می‌گیرد:

اول، نیاز به ارتباط، یعنی آن میزانی از نیاز که گوینده بتواند پیام خود را منتقل کند و دوم، اصل کم‌کوشی که برون‌ده انرژی گوینده را، چه ذهنی و چه فیزیکی، محدود می‌کند تا به حداقل سازگاری برای به‌پایان‌رساندن ارتباط و انتقال پیامش برسد (مارتینه، ۱۹۶۲: ۱۳۹ به نقل از کارستون ۲۰۰۵).

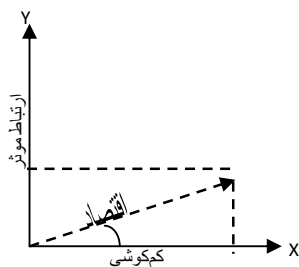
مارتینه و زیف هر دو قائل به دو نیرو هستند و می‌توان گفت نظریه‌هاشان در این زمینه، همپوشی بسیار دارد.

با استفاده از نمودارهای زیر می‌توان رابطه دو اصل کم‌کوشی^۱ و اقتصاد^۲ و چگونگی عمل‌کرد آنها در زبان را - که منشاء ایجاد اختصار در زبان‌ها می‌شود - نشان داد. در نمودار (۱)، محورهای X و Y به ترتیب مقادیر دو نیروی کم‌کوشی و ارتباط کلامی فصیح را نشان می‌دهند که به تولید کلمه‌های طولانی و مؤثر منجر می‌شوند. این دو نیرو با هم رابطه معکوس دارند؛ به طوری که اگر اصل کم‌کوشی - که به اعتقاد مارتینه، برون‌ده انرژی ذهنی و فیزیکی گوینده را محدود می‌کند - بیشتر باشد، مقدار محور Y کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، برآیند آنها که اقتصاد زبانی است، با محور X، یعنی اصل کم‌کوشی، زاویه کوچک‌تری می‌سازد و همسو با آن عمل می‌کند (نمودار ۲).

-
1. Least Effort Principle
 2. Economy Principle



نمودار ۱



نمودار ۲

اصل اقتصاد نقش بسیار مهم و تعدیل‌کننده‌ای در زبان دارد؛ به طوری که هرگونه تغییر غیراقتصادی که در صرف انرژی و تلاش، هزینه زیادی بر نظام تحمیل کند و مانعی در فهم باشد، به‌طور خودکار حذف و یا از آن اجتناب می‌شود (ویستینی، ۲۰۰۳: ۳۹). طبیعت اقتصاد، معیار تنظیم‌کننده تمامی جنبه‌های رفتار بشری است که اصل کم‌کوشی، آن را کنترل می‌کند. در فرایندی پویا مثل تغییر زبانی، کلمه‌ها پیوسته در حال کوتاه‌شدن، پس‌وپیش شدن، حذف‌شدن، قرض‌گیری و دگرگونی معنایی هستند. این رخداد در تمامی زبان‌ها طبیعی است و زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۳-۱. دوره باستان

زبان‌های ایرانی از نظر زمان، به سه دوره ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو تقسیم می‌شوند. فارسی باستان، زبان کتیبه‌های هخامنشی و درزمره زبان‌های ایرانی باستان است و ارزش ویژه‌ای دارد؛ زیرا گذشته از اینکه نیای زبان امروزی ماست، این امکان را فراهم آورده تا برای دست‌یابی به اطلاعات آن دوران، به‌ویژه اطلاعات زبانی، به منابع غربی محدود نباشیم. این زبان - دست کم

نوع رسمی آن- در زمان حیاتش نگاشته شده است؛ بنابراین، اعتباری خاص دارد (عریان، ۱۳۸۴: ۲۳). در این زبان- که با خط میخی حجاری می‌شده- وجود هشت صورت اختصاری در کتیبه‌ها تأیید شده است؛ بدین صورت که شش واژه در فارسی باستان، هشت صورت اختصاری نیز داشته است؛ البته این کلمه‌ها که برای صرفه‌جویی در مقدار نوشته ساخته شده‌اند، تنها ظهور نوشتاری دارند و هنگام تلفظ، به صورت کامل خوانده می‌شوند؛ به عبارت دیگر، کوتاه‌نوشت هستند. در کتاب‌های مختلف از جمله کتیبه‌های هخامنشی، اثر لوکوک، از این اختصارات با عنوان اندیشه‌نگار^۱ نام برده شده است؛ اما لازم به یادآوری است که این هشت مورد شکل نیستند تا بتوان تلویحاً مفهومشان را دریافت؛ بلکه کلمه‌هایی با نگارش بسیار شبیه کلمه اصلی‌اند که شاید تنها الگوی ساخت آنها را نمی‌دانیم و شباهتی بین آنها و اختصاراتی که اکنون می‌شناسیم، نمی‌بینیم.

هشت نمونه ذکر شده در کتاب لوکوک (۱۳۸۶: ۶۴) در جدول (۱) همراه صورت کاملشان که اوپرت (۱۶۸-۱۳۳: ۱۸۵۱) در کتاب خود آورده، نشان داده شده است.

جدول ۱. نمونه‌های به‌دست آمده در زبان فارسی باستان

ارزش معنایی	آوانویسی	حرف‌نویسی	صورت اختصاری	صورت کامل
اهورامزدا	Ahuramazdā	AM	𐎠𐎡𐎣	AULMZDA
همان	همان	AM ²	𐎠𐎡𐎣𐎠	همان
همان (در حالت اضافی)	Ahuramazdāha	AM ³	𐎠𐎡𐎣𐎠𐎡𐎣	AULMZDAH
خدا	Baga	BG	𐎠𐎡𐎣	BG
زمین، سرزمین	Būmī	BU	𐎠𐎡𐎣	BUMI
مردم	Dahayu	DH	𐎠𐎡𐎣	DHYUV
همان	همان	DH ²	𐎠𐎡𐎣𐎠	همان
شاه	yaeiiaāxš	XŠ	𐎠𐎡𐎣	XSAYCIY

نبود امکانات برای سهولت در نگارش و سختی این کار در گذشته، دلیل بسیار خوبی برای ضرورت استفاده از اختصار و اختصارسازی بوده است و نخستین نمونه‌های اختصارسازی، سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌های قدیمی و مهرها است. در زمان حکومت سلسله ساسانیان، خط رسمی ایران پهلوی بوده که ریشه اصلی آن، خط آرامی است. این خط در طول دوران فرمانروایی این سلسله، تغییرهایی یافته که روند تحول آن در سکه‌ها به خوبی دیده می‌شود.

خط پهلوی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

(الف) آم دبیره که خطی عمومی برای نگارش نامه‌ها و متن‌ها بوده است؛

(ب) گشته دبیره که برای نوشتن روی سکه‌ها، مهرها، کتیبه‌ها و... به کار می‌رفته است؛

(ج) دین دبیره که خط دینی زرتشتیان بوده و برای نگارش /وستا از آن استفاده شده است.

خط گشته دبیره که برای نوشتن روی سکه‌ها به کار رفته، دارای هفده حرف اصلی و نیز چند

صدا است و از راست به چپ نوشته می‌شود (امینی، ۱۳۸۳: ۸۱).

۲-۳. دوره میانه

این دوره را در دو بخش بدین شرح بررسی می‌کنیم:

۱-۲-۳. اشکانیان

در زمان حکومت سلسله اشکانیان، یعنی از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی، اختصارسازی کلمه‌ها وجود داشته است. شاهان اشکانی تا مدت‌ها نام خود را به زبان یونانی بر روی سکه‌ها می‌نوشتند و واژه یونانی «فیلهن» (دوست‌دار یونان) روی سکه‌ها دیده می‌شود. گاه نیز کلمه‌هایی به خط پارسی، روی سکه‌ها به چشم می‌خورد؛ اما زبان و خط پارسی از حدود نیمه قرن اول میلادی (از زمان بلاش اول، حدود ۵۱ تا حدود ۸۰-۷۶م) به کار رفته است. در آغاز، نوشته‌های پارسی سکه‌ها شامل صورت خلاصه شده نام شاه بوده است؛ مانند «ول» (به جای ولگش = بلاش)؛ سپس در ثلث دوم از قرن دوم میلادی، نوشته‌ها مفصل‌تر می‌شود و نام شاه به صورت کامل ذکر می‌گردد. بر روی سکه‌های مسی شاهان محلی ایلام (جنوب شرقی خوزستان) در قرن اول و دوم میلادی نیز ظاهراً نوشته‌های پارسی دیده می‌شود و مهرهایی نیز به خط پارسی در دست است. این

مهرها احتمالاً متعلق به اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی اند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۹).

۲-۳. ساسانیان

از دوره حکومت سلسله ساسانی، یعنی از سال ۲۲۶م تا هنگام فتح ایران به دست اعراب در سال ۶۵۲م، نیز آثاری برجای مانده که وجود کلمه‌های اختصاری را تأیید می‌کنند. از جمله این شواهد می‌توان سکه‌هایی را نام برد که در آن دوران ضرب شده‌اند. در گذشته، نگارش صورت اختصاری کلمه‌ها بر روی سکه‌های قدیمی متداول بوده است. به عنوان نمونه می‌توان سکه‌های پارتی یا رومی نیمه قرن سوم به بعد را نام برد.



AW = نام اختصاری ضراب‌خانه هرمزد- اردشیر در ناحیه خوزستان

بر روی سکه‌های ساسانی، تصویر شاه دیده می‌شود و تقریباً همیشه صورت شاه به سمت راست است. در پشت سکه نیز آتشدانی تصویر شده که شعله آتش در آن نمایان است. گاه دو شخص در اطراف آتشدان دیده می‌شوند و گاه نیز صورت شخصی در میان شعله‌های آتش تصویر گردیده است. بر روی سکه‌ها نام شاه و عناوین او نگاشته شده است (شیندل، ۲۰۰۴: ۴). سکه زیر متعلق به بهرام پنجم و نمونه‌ای از این سکه‌ها است. نگارنده ²² را که اختصار ضراب‌خانه سکه است، در تصویر زیر به روشنی نشان می‌دهد.

از زمان قباد اول (۴۸۸ تا ۵۳۱م) به بعد، فقط نام شاه و پس از آن، کلمه «ابزون» (= افزون) ذکر می‌شد و در زمان خسرو پرویز (۵۹۱ تا ۶۲۸م)، کلمه «خوره» (= فرّه) نیز بدان اضافه شد. در زمان همین شاه، گاهی کلمه «ابد» (= شگفت) نیز ضرب شده است. در پشت سکه‌های نخستین شاهان ساسانی، کلمه «آذر» (= آذر، آتش) به اضافه نام شاه ضرب می‌شده است. تا زمان بهرام چهارم (۳۸۸ تا ۳۹۹م)، محل ضرب سکه ذکر می‌شد؛ اما از زمان این شاه و جانشینانش، یعنی یزدگرد اول

و بهرام پنجم، نام محل به صورت اختصار می‌آمد و نوشته‌های روی سکه‌ها کوتاه‌تر شد. آلرام و گیزلن (۲۰۰۳: ۳۵) معتقدند در دوره ساسانیان، نام محل ضرب سکه، نخست بر روی سکه‌های طلای دوره حکومت شاپور اول (۲۴۰ تا ۲۷۲م) در مرو حک شده است. جدول (۲) فهرست اختصارات حک شده بر روی سکه‌های ساسانی را نشان می‌دهد. تمامی این کلمه‌های اختصاری که نام شهرها و ولایات محل ضرب سکه را نشان می‌دهند، در زبان پهلوی دارای صورت کامل بوده‌اند. در حال حاضر، بسیاری از این شهرها از صفحه روزگار محو شده و یا تنها ویرانه‌هایی از آنها برجا مانده است؛ تعدادی نیز بر اثر گذشت زمان و روی دادن وقایع مختلف، اهمیت خود را ازدست داده‌اند؛ اگرچه ذکر نام ضراب‌خانه به صورت اختصاری باعث شده است محققان و سکه‌شناسان مختلف، تعدادی از سکه‌ها را به دو یا چند شهر متفاوت منتسب کنند که صورت اختصاری‌شان شبیه هم است.

جدول ۲. اختصارات حک شده بر روی سکه‌های دوره حکومت ساسانیان

ناحیه	نام محل ضرب سکه	صورت اختصاری	حرف نویسی
مرکزی	همدان	𐭠𐭣𐭥	AH
مرکزی	همدان	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥	AHM
نامشخص	نامشخص	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥𐭠𐭥	ALM
طبرستان	آمل	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥	AM
خراسان	ابرشهر	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥	AP
خراسان	ابرشهر	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥𐭠𐭥	APL
فارس	اردشیر - خورا	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥𐭠𐭥	ART
آسورستان	آسورستان	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥𐭠𐭥	AS
آذربایجان	آذربایجان	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥	AT
خوزستان	هرمز - اردشیر	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥	AW
خوزستان	هرمز - اردشیر	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥𐭠𐭥	AWH
خوزستان	ایران - خوارا - شاپور	𐭠𐭣𐭥𐭠𐭥	AY

AYL	لاک	نامشخص	نامشخص
BN	ل	نامشخص	کرمان
BYŠ	بیش	بیشاپور	فارس
DA	د	دارابجرد	فارس
GW	گ	گرگان	گرگان
HL	ه	هرات	خراسان
HW	ه	خسرو - شاد - قباد	آسورستان
HWC	ه	خوزستان	خوزستان
KA	ک	کارزین	فارس
KL	ک	کرمان	کرمان
LAM	ل	رام - هرمزد	خوزستان
LYW	ل	رو - اردشیر	خوزستان
MA	م	مرکزی	مرکزی
ML	م	مرو	خراسان
MY	م	مشان	مشان
NAL	ن	نامشخص	نامشخص
NY	ن	نهادند	مرکزی
PL	پ	فرات - مشان	مشان
SK	س	سکستان	سکستان
ST	س	استخر	فارس
ŠY	ش	شیراز	فارس
WH	و	و - آنتیوک - شاپور	خوزستان
WYH	و	و - قباد	آسورستان
WYHC	و	و - آنتیوک - خسرو	آسورستان
YZ	ی	یزد	فارس

نکته جالب این است که اختصارات روی سکه‌ها مختص سکه‌اند و در متون پهلوی دیده نمی‌شوند؛ البته در خط پهلوی، دو نشانه **𐭥𐭩** و **𐭥𐭪** وجود دارند که برای صرفه‌جویی در مقدار نوشته، در پایان فعل‌هایی که به صورت هُزوارش نوشته می‌شوند، ممکن است معرف هرگونه شناسه آوایی (حتی صفر) باشند. این نشانه‌های اختصاری دوحرفی را می‌توان تنها با قیاس منطقی، با حروف همانند خودشان حرف‌نویسی کرد. **𐭥𐭩** به صورت x^1 و **𐭥𐭪** به صورت x^2 حرف‌نویسی می‌شود. در آوانویسی هر دو نشانه، بنا به مورد، شناسه فعل سوم شخص مفرد یا جمع مضارع اخباری ($\bar{e}nd, \bar{e}d$) یا شناسه اسم مفعول (= سوم شخص مفرد ماضی: $-t, -d$) یا شناسه دوم شخص مفرد یا جمع فعل امر ($\emptyset, -\bar{e}, -\bar{e}d$) یا شناسه مفرد شخص مفرد فعل خواستاری (\bar{e}) و... به‌شمار می‌آیند (تفضلی، ۱۳۷۵: ۵۳). لازم به یادآوری است که در همه این موارد، پسوندها بلندتر از این دو اختصار است.

متون پهلوی همچنین حاوی نمونه‌هایی از کلمه‌های هُزوارشی^۱ مختصر شده هستند؛ مثلاً بعضی موارد در خط آرامی صورت کامل دارند؛ ولی صورت کوتاه‌شده آنها وارد پهلوی شده و به همان صورت به کار رفته است. نمونه‌هایی که در جدول (۳) نشان داده شده، از *واژه‌نامه پهلوی پازند*: فرهنگ پهلوی (عریان، ۱۳۷۷) استخراج شده و در ستون سمت راست جدول، نشانی دقیق کلمه‌ها ذکر گردیده است.

^۱ هُزوارش‌ها واژه‌های سامی‌الاصل (به‌ویژه آرامی) هستند که در نگارش برخی زبان‌های باستانی از جمله ایرانی میانه و از آن میان، بیش از همه در متون پهلوی به کار رفته‌اند. هُزوارش‌ها با خط پهلوی به‌صورت سامی نوشته شده و در بیان، برابر ایرانی آنها خوانده می‌شده است.

جدول ۳. کوتاه‌نوشت‌های هزوارشی فرضی در خط پهلوی

حرف‌نویسی	آوانویسی	ارزش معنایی	صفحه / فصل
H ^g	gandum	گندم	۷۲ / چهارم
KŠM ^g	zayt	زیتون	۷۵ / چهارم
M-kg ^t	dāng-gat	سند ارزی	۲۳۶ / پانزدهم
P ^g	gāwars	ارزن	۷۳ / چهارم
PR ^g	Šiftālūg	شفتالو	۸۴ / چهارم
Š ^g	ǰaw	جو	۷۲ / چهارم
ŠM ^g	kunǰid	کنجد	۷۶ / چهارم
T ^g	xurmā	خرما	۹۲ / پنجم

در اینجا هریک از نمونه‌ها را به تفصیل بررسی می‌کنیم:

- گندم:

H^g [gandum] 𐭌𐭅𐭆𐭇

عبری: hitā، آرامی: hīṭā، سریانی: ḥīṭtā، آرامی امپراتوری، ماندایی، آرامی

باستان، آرامی

یهودی، فلسطینی مسیحی: ḥīṭtā، عربی: حنطه، پازند: [aɣ] ag.

gndwm [gandum] 𐭌𐭅𐭆𐭇𐭅𐭆

سنسکریت: -godhūma، اوستا: -gantuma، فارسی میانه: gnwm،

پازند: gañdum [gəndum.gandum.gntūm]

-زیتون:

KŠM^g [zayt] 𐭌𐭅𐭆𐭇𐭅𐭆𐭇

برابرنهاد این هزوارش نیز عربی و در زبان فارسی میانه، دخیل است و برابر

پهلوی ندارد. عبری: zayt، آرامی: zētā، سریانی: zaytā، پامیری، آرامی

یهودی، ماندایی:

kašmag: پازند، عربی: زیت، K-ŠM-K < K-ŠMNA < šamnā

[kišmag.kašmak.kašmaʔ]

پازند: zīt [zoet.zêt]

کص ۱۱
۳ ۲ ۵

- سند ارزی:

M-kgʔ [dāng-gat]

مکص ۱۱
مروسی ۱۱

M-K = صورت اختصاری هزوارش M^cH = m^{ec}ā است. این واژه مرکب

است از:

(۱) mā^cā = dāng = سکهای برابر با $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{6}$ درهم، عبری، آرامی، سریانی: mā^cā،

ارمنی (وامواژه) dang/k، یونانی: danakēs

(۲) gat < اکدی: gitta = سند، رسید؛ کتیبه پهلوی: gtky, gty، پازند:

midaēō

- ارزن:

P^g [gāwars]

رعد
رعد

سریانی: p^eraggā > هندی: priyañgu، هزوارش مختصرشده PRGA است.

آشوری: farbā،

عربی (وامواژه): جاوَرَس، پازند: pag [paʔ]

g^o wls[gāwars]

رعد

[arzan.arzūn, arzən] پازند: kenghros، یونانی: bājārā، سنسکریت:

رعد رعد

gāvars

ʔcnʹ [arzan]

رعد

پازند: arzən نک. [g^o wls[gāvars]

سدی ۱

- شفتالو

PR^g [Šiftālūg]

۱۱۱

آرامی: farsēq, farssīq, انگلیسی میانه: peche, pessche, لاتین میانه:

۱۱۴۴

persica, لاتین

کهن: persicum, فرانسه: pêch, انگلیسی نو: peach, آلمانی نو: pfirsisch,

ایتالیایی: pesca,

عربی: فَرَسَق، فَرَسَك، پازند: [paŋg pəng]

- جو

Š^g [jaw]

۱۱۱

عبری: Š^cōrā, سبئی: Š^crs, آرامی باستان: Š^crh, ترگوم: Š^crtā, سریانی: Š^crā

۱۱۱

، s^{ec}ār^{et}ā,

ماندایی: s^{ec}ār^{et}ā, عربی: شَعِير، پازند: [Šak, Šay] Šag

- کنجد

ŠM^g [kunjīd]

۱۱۱

این واژه صورت اختصاری هزوارش ŠMŠMA بوده است. آرامی: šmā

۱۱۱

سریانی: šūm^e, šešmā, ، šušmā, اکدی: šamaššammu, یونانی

(وام واژه): sēsamon, sēsamē, عربی:

سَمْسَم، سَمْسَم، پازند: [šimay. š(i)m(a)g] Šimak

kwncyt [kunjīd]

۱۱۱

پازند: [kunčīt] kunjīt

۱۱۱

- خرما

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
 T⁸ [Xurmā] صورت اختصاری هزوارش TMRA بوده است. عبری: tāmār، آرامی،
 آرامی امپراتوری،

ماندایی: tamrā، عبری نو: tāmār، سریانی: tēartā، عربی: تمر، پازند: tag

hwlm^ck' [xurmā]

پازند: [xurma] xurmā

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥
 hwlm^ck' /xurmā/ نک

- کلمه «در» (به، با، هنگام.../ قید، حرف اضافه/ نوعی پیشوند) را نیز می‌توان از همین نوع هزوارش‌ها شمرد که کاربرد بسیار داشته است.

PWN [pad]

آرامی: pen, pānā, pōn، ریشه نامعلوم، فارسی و پارسی مانوی: pd, pt

هندواروپایی آغازین

*poti (نک. هندواروپایی آغازین: *proti)، ایرانی باستان: *parti،

سنسکریت: práti،

اوستا: paiti، فارسی باستان: patiy، کتیبه پهلوی: PWN، پارسی: pty،

پازند: pa

۵. نتیجه‌گیری

برپایه بررسی انجام‌شده به این نتیجه می‌رسیم که اختصارسازی کلمه‌ها در زبان، حاصل سازوکاری مشخص در تمامی زبان‌هاست که باوجود تنوع و پراکندگی، تحت کنترل اصل اقتصاد و کم‌کوشی می‌باشد؛ اکنون به‌برکت دانش زبان‌شناسی می‌دانیم که هیچ زبانی را نمی‌توان ساده‌تر، ابتدایی‌تر و ناتوان‌تر از زبانی دیگر دانست و همه زبان‌ها توانایی خلق واژه‌های تازه را دارند. این نکته را حتی زبان‌شناسی مانند ساپیر که بر تفاوت زبان‌ها تأکید بسیار می‌کند،

باصراحت بیان کرده است: «همه زبان‌ها امکانات لازم را در اختیار دارند تا در صورت نیاز، لغات جدیدی خلق کنند» (سایپر، ۱۳۷۶: ۱۸۹).

نکته قابل توجه این است که اختصارسازی فرایندی قاعده‌مند و منظم است. شاهد مثال ما آن است که در تمامی اختصارات روی سکه‌ها، الگوی ساخت‌وازی، مبتنی بر ویژگی نوشتاری است؛ یعنی تمام کلمه‌های اختصاری براساس انتخاب حروف اول کلمات ساخته شده‌اند و بیشتر، دو حرف اول مورد نظر است؛ البته در مواردی که یک سکه در دو دوره حکومت ضرب شده، بنا به دلایلی که جای بررسی دارد، یکی از آنها با اختصار سه یا چهارحرف اول از نام ضراب‌خانه دیده شده است.

منابع

- امینی، امین (۱۳۸۳). *هرمزد چهارم: دوازده سال سلطنت، سیزده سال سکه*. یزد: شرکت تبلیغاتی طلوع یزد.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۵). *زبان پهلوی - ادبیات و دستور آن*. تهران: معین.
- (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.
- سایپر، ادوارد (۱۳۷۶). *زبان*. ترجمه علی محمد حق شناس. تهران: سروش.
- عریان، سعید (۱۳۷۷). *واژه‌نامه پهلوی پازند: فرهنگ پهلوی*. تهران: حوزه هنری.
- کافی، علی (۱۳۷۰). *اختصارات و زبان فارسی*. تهران: نشر دانش.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۶). *کتیبه‌های هخامنشی*. ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: فرزانه روز.

- Alram, M. Gyselen, R. (2003) "sylloge Nummorum Sasanidarum. Band 1: Ardashir 1 j Shapur 1, Wien.
- Carston, R. (2005). "A Note on Pragmatic Principle of Least Effort". <www.Glottopedia.com>.
- Oppert, J. (1851). *Les Inscriptions des Achéménides*. Paris: Text, Translation, Notes.
- Schindel, N. (2004). "Sasanian Coinage". <www.Iranica.com>.

Vicentini, A. (2003). *The Economy Principle in Language*. Italy: Milan University.

Zipf, G. (1949). *Human Behavior and The Principle of Least Effort*. Boston: Addison Wesley.